هادیانه
هدایت با عبرت از سنت‌های گذشتگان

■ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم/ خدا می‌خواهد شما را به سنت‌هایی که در امت‌های قبل از شما جریان داشته است، هدایت کند.»

(سوره نساء، آیه ۲۶)

کاشانه

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه‌نامه: حسین گل‌محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، نیره محمودی
حسن فرامرزی، محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

گفت‌وگو

دکتر محمدرضا مهراندیش، رئیس اسبق موزه ملی ایران:

انسجام و هویت امروز و فردای‌مان به‌شناخت و صیانت میراث فرهنگی گره خورده است

محمدرضا مهراندیش دکترای تاریخ هنر از دانشگاه ملی اسلامی دهلی دارد. وی نویسنده، پژوهشگر حوزه فرهنگ و مدرس دانشگاه است. رئیس موزه ملی ایران نیز از جمله سوابق اوست. مهراندیش معتقد است آثار به جا مانده از گذشتگان که در بناها و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها نگهداری می‌شوند، نقشی اساسی در انسجام و حفظ هویت ملت‌ها دارند و منابع برجسته‌ای برای هویت‌بخشی امروز و فردای جوامع هستند. گفت‌وگوی روزنامه جوان با او را می‌خوانید.

میراث فرهنگی با چه شاخص‌هایی تعریف می‌شود و ما چه چیزی را به عنوان میراث فرهنگی می‌دانیم؟

میراث فرهنگی همانگونه که از واژه آن پیداست به معنی همه آن چیزهایی بوده که از فرهنگ و داشته‌های گذشتگان برای ما به ارث رسیده است. این میراث ارزشمند به جا مانده از نیاکان و گذشتگان ما دو نوع اصلی دارد؛ یکی میراث مادی و ملموس است و دیگری میراث معنوی و غیرملموس. نوع اول همه مواریث فرهنگی، تاریخی، هنری و ادبی را شامل می‌شود که به صورت فیزیکی، ملموس و قابل لمس هستند. مانند محوطه‌ها، ابنیه و بناهای تاریخی، آثار تجسمی مانند نقاشی‌ها، پیکره‌ها، مجسمه‌ها و اشیای تاریخی، فرهنگی و هنری موجود در سایت‌ها و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها. نوع دوم، همه مواریثی هستند که در شکل ظاهری قابل لمس نیست و میراث معنوی و آیینی ما به شمار می‌آیند. مانند آداب و رسوم، آیین‌های سنتی، مراسم مذهبی، موسیقی، آواها و نواها، حکایت‌ها و داستان‌های ادبی و حماسی، دانش ها، ادبیات، زبان‌ها، گویش‌ها، نمایش‌ها و حتی اشخاص تأثیرگذار و مشاهیر، البته مفهوم و معنای میراث فرهنگی به نوعی همواره در حال بازنگری و تحول است. در سال‌های اخیر میراث فرهنگی معنا و گستره‌اش خیلی بیش از گذشته شده است، برای نمونه در سال‌های اخیر میراث طبیعی هم از موضوعات مورد توجه و مرتبط با میراث فرهنگی بوده و در کنار میراث فرهنگی تعریف و بازخوانی شده است.

می‌گویند میراث فرهنگی و تاریخی یکی از بنیان‌های اصلی هویت و اصالت یک ملت است. این ادعا به چه معنی است و شاخص‌های آن چیست؟ میراث فرهنگی چه نقشی در تثبیت هویت فردی و جمعی ما دارد؟

میراث فرهنگی مادی و معنوی در هر سرزمینی، نقش مهم، تعیین‌کننده و غیرقابل انکاری برای پایه‌ریزی بنیان‌های هویتی آن سرزمین داشته و دارد. میراث فرهنگی سرمایه‌ای اصیل و بی‌بدیل است و به همین خاطر مردم و دولت‌ها تلاش می‌کنند با جان و دل از آن حفاظت و حراست کنند تا همانگونه که از نسل‌های گذشته به آنها رسیده است، آنها هم بتوانند این مواریث را به شایستگی به نسل‌های آینده انتقال دهند. در واقع در اینجا انتقال هویت یک ملت از گذشته به حال و از حال به آینده از طریق انتقال میراث فرهنگی مطرح می‌شود. همه ما پذیرفته‌ایم که میراث فرهنگی نقش مهمی در زمینه شناخت و پاسداشت هویت داشته است و از سوی دیگر این عرصه ظرفیت‌های قابل توجهی برای هویت‌سازی‌های جدید دارد. میراث فرهنگی به خاطر ریشه‌ها و رابطه‌هایی که با عرصه‌های علم و فرهنگ و هنر دارد، می‌تواند زمینه‌ساز تثبیت و توسعه هویت فردی، اجتماعی و ملی جوامع باشد و موجبات رشد و ارتقای آحاد جامعه را فراهم کند. قابلیت‌های عرصه میراث فرهنگی بر موضوعات هویت‌ساز مانند زبان، آیین‌ها و فرایندهای فکری مردم اثرگذار است. در همین زمینه، میراث فرهنگی علاوه بر حفظ و حراست از آثار و ابنیه فرهنگی، هنری و تاریخی، نقش تعلیم و تربیت و آموزش را نیز در جامعه بر عهده دارد، یعنی جامعه چنین می‌پندارد که مفاهیم و محتویات موجود در میراث فرهنگی مادی و معنوی و طبیعی جامعه، ارزش شناخت و یادگیری را دارند. تأکید می‌کنم که انسجام و هویت امروز و فردای‌مان به شناخت و صیانت میراث فرهنگی گره خورده است و آثار به جای مانده از گذشتگان که در بناها، محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها نگهداری می‌شوند، نقشی اساسی در انسجام و حفظ هویت ملت‌ها دارند و منابع برجسته‌ای برای هویت‌بخشی امروز و فردا هستند. تغییر سبک زندگی مردم و علاقه‌مندی آنها به فضاها، محصولات فرهنگی و هنری و نیازشان به آشنایی بیشتر و بهتر با هویت فرهنگی و تاریخی، مسئولیت‌های مدیران این عرصه‌ها دوچندان می‌کند.

بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی باید به صورت نظام‌مند در دستور کار نهادهای آموزشی همراه با مشارکت فعالانه وزارت میراث فرهنگی باشد. تجربه‌های شخصی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان میراث فرهنگی برای شناخت هویت تاریخی‌شان و انتخاب سبک زندگی ایرانی- اسلامی و آرامش زندگی‌شان خیلی اهمیت دارد

یکی از ابعاد مهم میراث فرهنگی هر کشور، مشاهیر آن است. مشاهیر ایرانی بی‌نیاز از هر تعریفی هستند، چنانچه آوازه آنان جهانی است، اما متأسفانه جایگاه مشاهیر ایرانی صرفاً در حد اجبارهای آموزشی و حفظیات سیستم آموزشی است. چگونه می‌توان در ترغیب و زنده ساختن آنان برای نسل جدید کار کرد؟

سؤال خوبی است. موضوع معرفی مفاخر و مشاهیر همیشه یکی از دغدغه‌های فکری من بوده است. خوشبختانه ایران در دهه‌های اخیر در کنار معرفی و شناسایی هویت تاریخی و فرهنگی کهن خود، رشد و تلاش فزاینده‌ای هم در زمینه توجه به مشاهیر داشته است اما متأسفانه هنوز این تلاش‌ها برای شناخت و شناساندن مشاهیر ایران به نسل‌های جدید کفایت نمی‌کند. باید با یک برنامه‌ریزی هدفمند در این راستا تلاش شود. خوشبختانه در دنیای فناوری اطلاعات و با وجود ابزارهای رسانه‌ای کارآمد، خیلی کارهای هویت‌بخش، خلاقانه و پردامنه در این زمینه‌ها را می‌توان انجام داد. باید معرفی مشاهیر واقعاً یک پروژه ملی و همگانی باشد. ضرورت دارد نسل جدید درک درست و دقیقی از مفاخر علمی و فرهنگی خود داشته باشد. مشاهیر و بزرگان این سرزمین در همه ادوار تاریخی، شناسنامه و بخش مهمی از هویت ملی مردمان ایران هستند. الگوسازی این مشاهیر برای جوانان بی‌تردید برکت‌های فراوان خواهد داشت و زمینه‌های رشد و شکوفایی نسل جدید را مهیاتر خواهد کرد. نباید اجازه داد این مشاهیر فراموش شوند یا به خاطر کم‌کاری‌های دست‌اندرکاران، مفاخر و مشاهیر ما از سوی کشورهای دیگر به نفع خودشان مصادره شوند.

از چه طریق می‌توان مردم را تبدیل به حافظان میراث فرهنگی کرد و توصیه‌های فرهنگی شما به خانواده‌ها در این زمینه چیست؟

توجه به برنامه‌های پژوهش‌محور، مردمی‌سازی مباحث میراث فرهنگی و توسعه آموزش‌های عمومی و همگانی در حوزه شناخت میراث فرهنگی در نهایت منجر به ارتقای دانش و سواد میراث فرهنگی مردم می‌شود، البته این اقدامات بسترهای مناسبی برای حضور فعالانه مردم به عنوان حافظان اصلی میراث فرهنگی لازم دارد. دستگاه میراث فرهنگی در عین حالی که باید به پیشکسوتان این حوزه احترام بگذارد و شأن و شئونات آنها را رعایت کند، اما به هر حال میراث فرهنگی کشور نیازمند به کارگیری نیروی انسانی جدید، باانگیزه، کاردان، تحول‌خواه، بادانش، بادرایت و دلسوز برای انجام مأموریت‌های متعدد و متنوع خود است، به همین خاطر برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش همراه با نوآوری و کارآمدی در حوزه میراث فرهنگی با همراهی دانشگاه‌ها، مراکز و نهادهای آموزشی و پژوهشی همیشه باید در دستور کار مدیران ارشد میراث فرهنگی کشور باشد. شناخت خاستگاه و طبقه اجتماعی و پایگاه آموزشی مخاطبان میراث فرهنگی هم از قلمروهای مطالعاتی مورد توجه حوزه جامعه‌شناسی مخاطب است. مخاطبان که تعلق به خاستگاه‌های اجتماعی متفاوتی دارند، تأثیرپذیری‌های مختلف و متنوعی نیز خواهند داشت. به همین دلیل از منظر جامعه‌شناسی مخاطب، شناخت طرز فکر و جهان علاقه‌مندی‌های میراث فرهنگی مهم است. در همین زمینه خانواده به عنوان خاستگاه اصلی مخاطبان میراث فرهنگی و مرکز و کانون اولیه تربیت و پرورش برای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در حوزه میراث فرهنگی و به خصوص حفاظت از آن، نقش مهمی دارد.

میراث فرهنگی چه نقش‌ها و کاربردهایی در زندگی ما دارد و چگونه می‌توان با آن به بهبود و آرامش زندگی کمک کرد؟

پیشینه غرورآفرین فرهنگ و تمدن ایران و ارزش‌های نهفته در میراث مادی و معنوی آن نیازمند مفهوم‌سازی و تدوین یک نگرش راهبردی برای هویت ملی و ایجاد سبک زندگی ایرانی- اسلامی است. تذکر این نکته ضروری است که داشته‌ها و یافته‌های ارزشمند میراث فرهنگی ایران، مربوط به تمام دوره‌ها در ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز است، به همین خاطر فرهنگ و هنر درخشان ایران فقط منحصر به دوران باستان و دوران پیش از اسلام در ایران نیست، بلکه فرهنگ و هنر ایران اسلامی یعنی ایران بعد از پذیرش دین اسلام نیز همچنان هنری درخشان و ممتاز است. میراث فرهنگی و هنری ایران اسلامی، دارای ماهیت دینی، معنوی و زیبایی‌شناسی منحصربه‌فردی است که نه فقط در بارزترین مظهر آن، یعنی معماری مسجد، بلکه همچنین در عرصه‌های خوشنویسی، هنرهای تزئینی و هنرهای تجسمی و تصویری نمایان شده است. میراث فرهنگی ایران و دستاوردهای هنری آن از تنوع بسیار و همچنین از وحدت بینشی و زیباشناختی قابل مطالعه‌ای برخوردار است. باید مردم را تشویق کرد که از آثار فرهنگی، تاریخی و هنری بازید کنند. بی‌تردید بازدید از میراث ملی و میراث جهانی موجود در ایران، برای اقشار مختلف مردم، تجربه ارزشمندی است. بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی باید به صورت نظام‌مند در دستور کار نهادهای آموزشی همراه با مشارکت فعالانه وزارت میراث فرهنگی باشد. تجربه‌های شخصی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان میراث فرهنگی برای شناخت هویت تاریخی‌شان و انتخاب سبک زندگی ایرانی- اسلامی و آرامش زندگی‌شان خیلی اهمیت دارد. با مخاطب‌شناسی علمی و میدانی می‌توان سلیقه‌های مخاطبان میراث فرهنگی را شناخت و تجزیه و تحلیل کرد و برای بازدیدهای مردم به خصوص کودکان و نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی دقیق و درست داشت تا آنها با شناخت بهتر و عمیق‌تری از گذشته‌شان بتوانند زندگی آینده خود را به درستی پایه‌ریزی کنند.

کرانه

«ایران» مهد کاروانسراهای تاریخی

حسین گل‌محمدی

۲۶ شهریورماه امسال، خبری خوش برای ایرانیان در کل جهان مخابره شد، خبر از این قرار بود: «کاروانسراهای ایران به عنوان بیست‌وهفتمین اثر تاریخی و طبیعی ایران در فهرست جهانی یونسکو ثبت شد.» این رویداد شیرین در چهل‌وپنجمین نشست کمیته میراث جهانی یونسکو در ریاض عربستان اتفاق افتاد و سهم ایران را بار دیگر در رده آثار ثبت‌شده جهانی ارتقا داد. از نظر کمی نیز با ثبت جهانی ۵۴کاروانسرای ایرانی در قالب پرونده‌ای زنجیره‌ای در چهل‌وپنجمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در ریاض عربستان، تعداد آثار ثبت‌شده ایران در فهرست جهانی دو برابر شد و به رشدی ۱۰۰درصدی دست پیدا کرد.

جالب است بدانیم سرزمین ایران با برخورداری از هزار کاروانسرا از این منظر منحصربه‌فرد است. به طور دقیق‌تر باید گفت ایران بیش از هزار کاروانسرا دارد که ۷۰۰مورد آن ثبت ملی شده است. ۵۴کاروانسرای ثبت‌شده ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو، در ۲۴استان کشور پراکنده‌اند که ظرفیتی بزرگ برای میراث‌فرهنگی شهرهای کشور محسوب می‌شود و بی‌تردید هر یک از این کاروانسراها جذابیت‌هایی دارد که تماشای آن خالی از لطف نیست. کاروانسراها از جمله بناهای باارزش به جامانده از تاریخ معماری ایران هستند که مجموعه‌ای از خدمات و تأسیسات عام‌المنفعه‌ای را به مسافران خسته از راه عرضه می‌داشتند و نیز در مواردی وسیله‌ای برای به نمایش گذاشتن و تداوم فرهنگ یاریگری بوده‌اند.

کاروانسراها به عنوان مهم‌ترین نقاط عطف بین‌راهی، نقشی مؤثر در برقراری ارتباطات و تبادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند و عملاً پایگاه و رسانه‌ای مهم در دوران تاریخی محسوب می‌شوند. کاروانسرای ایرانی در عین حال از مستمرترین گونه‌های معماری در دوره تمدنی ایران است و پیوندی جداناشدنی با دنیای پیرامون خود دارد. از منظر ویژگی‌های معماری و موقعیت استقرار و پیوند آن با راه‌ها و مجتمع‌های زیستی و از منظر کارکردی به جهت گستردگی کارکرد اجتماعی و اقتصادی آن، کاروانسراها گونه‌ای ارزشمند برای تبیین و خوانش پیام‌ها و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و مؤلفه‌های مترتب بر آن در این منطقه فرهنگی هستند.

در خاتمه این نوشتار ضمن دعوت از علاقه‌مندان به گردشگری تاریخی، اسامی ۵۴کاروانسرای ثبت جهانی‌شده ایران را برای سفری طولانی و شگفت‌انگیز می‌آوریم: دیر گچین (قم)، نوشیروان(اصفهان)، پرند یا قلعه سنگی (تهران)، رباط شرف (خراسان‌رضوی)، سنگی انجیره (یزد)، جمال‌آباد (آذربایجان‌شرقی)، عباس‌آباد (تایباد (خراسان‌رضوی)، فخر داوود (خراسان‌رضوی)، شیخعلی خان (اصفهان)، مرنجاب (اصفهان)، امین‌آباد (اصفهان)، گبرآباد (کاشان)، مهیار (اصفهان)، گز (اصفهان)، کوهپایه (اصفهان)، مزینان (خراسان‌رضوی)، ایزدخواست (فارس)، فخرآباد (خراسان‌رضوی)، سرایان (خراسان‌جنوبی)، قصر بهرام (سمنان)، آهوان (سمنان)، میامی (سمنان)، عباس‌آباد (سمنان)، میاندشت (سمنان)، زین‌الدین (یزد)، میبد(یزد)، فرسفج(همدان)، خواجه نظر(آذربایجان‌شرقی)، دهدشت (کهگیلویه‌وبویراحمد)، بیستون (کرمانشاه)، گنجعلی‌خان (کرمان)، گویجه بل (آذربایجان‌شرقی)، خوی (آذربایجان‌غربی)، صائین (اردبیل)، تی‌تی (گیلان)، باغ شیخ (مرکزی)، زعفرانیه (خراسان‌رضوی)، مهر (خراسان‌رضوی)، ینگه امام (البرز)، بستک (هرمزگان)، برازجان (بوشهر)، خرانق (یزد)، آجری انجیره (یزد)، افضل (خوزستان)، نیستانک (اصفهان)، چاه کوران (کرمان)، چمشک (لرستان)، رشتی(یزد)، تاج‌آباد (همدان)، ده محمد (خراسان‌جنوبی)، خان (خراسان‌جنوبی)، چهل پایه (خراسان‌جنوبی)، سعدالسلطنه (قزوین) و رباط‌قلی (خراسان‌شمالی).

۵۴کاروانسرای ثبت‌شده ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو، در ۲۴ استان کشور پراکنده‌اند که ظرفیتی بزرگ برای میراث‌فرهنگی شهرهای کشور محسوب می‌شود و بی‌تردید هر یک از این کاروانسراها جذابیت‌هایی دارد که تماشای آن خالی از لطف نیست

خوشه‌چین

۲۰مهر، روز بزرگداشت حافظ

یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم

حسن فرامرزی

حافظ در یک مصراع، نشانی همه زیاده‌خواهی‌ها، حرص‌زدن‌ها و افزون‌خواهی‌های ما را می‌دهد، وقتی می‌گوید: «یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم...»، این به آن معناست که وقتی در دوزخ حرص و ولع و زیاده‌خواهی گرفتار می‌شویم، به خاطر آن است که حضور آن یار ازلی را، گرمای آن آیه را که «و هو معکم اینما کنتم» حس نمی‌کنیم و چرا این اتفاق می‌افتد؟ این اتفاق به خاطر آن است که غبار اوهام بر قلب ما می‌نشیند، به قول مولانا: «آینه‌ات دانی چرا غمناز نیست /زانکه زنگار از رخش ممتاز نیست.»

اما «و هو معکم اینما کنتم» یعنی که نترسید، او با شماست و اگر به حبل‌الله چنگ بزنید، هیچ ناامنی درونی و بیرونی نمی‌تواند شما را از پا دربیاورد، اما وقتی ما به ریسمان‌های دیگری جز ریسمان حق چنگ می‌زنیم، احساس ناامنی و ناشادی را در درون و بیرون خود تجربه می‌کنیم.

شما اگر به کسانی که در دنیا عطش سیری‌ناپذیری به رسیدن به چیزی در بیرون خود- مثلاً منصب، قدرت، اعتبار و شهرت- دارند نگاه کنید، کسانی که خود را نه با حق که با منصب و اعتبار و جایگاه به یاد می‌آورند، می‌بینید علت اینکه آن افراد این همه دنبال این مقاصد می‌گردند و هرگز سیر نمی‌شوند، به خاطر آن است که می‌خواهند امنیت، شادی و آرامش خود را در رسیدن به مناصب، قدرت و اعتبار بجویند و چرا اینچنین می‌کنند؟ به خاطر اینکه حس نمی‌کنند همه اینها به شکل واقعی و نه به صورت کاذب در همراهی با آن یار مقتدر، عزیز و مهربان فراهم آمده است، مصداق آن سخن: چون که صد آمد نود هم پیش ماست.

اگر بدانیم کانون امنیت، آزادی، قدرت و اعتبار در جای دیگری به جز عوالم ظاهر فراهم آمده، این همه ظاهرپرست نمی‌شویم. حافظ در جای دیگری علت گم‌کردن راه آگاهی و به بیراهه رفتن را ظاهرپرستی می‌داند و از زاهدان ظاهرپرست انتقاد می‌کند: «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست.»

از این زاویه زمانی ما می‌توانیم از دوزخ و گردونه باطل حرص‌ها، هوس‌ها، امیال و آرزوها خارج شویم که از عالم ظاهر به عالم نهان و غیب نقب بزنیم، همچنان که قرآن وقتی می‌خواهد از متقیان- اهل پرهیز- یاد کند، از آنها به عنوان مؤمنان به غیب و نهان، یعنی روندگان از عالم ظاهر و ظاهربینی به سمت پس‌زمینه‌ها و پشت‌صحنه‌های این عالم و آفرینش نام می‌برد.

ادامه غزل حافظ این گونه است: «در طریقت هر چه پیشِ سالک آید، خیرِ اوست/ در صراطِ مستقیم ای دل کسی گمراه نیست».

وقتی کسی حضور آن یار عزیز، مقتدر و حکیم را در قلب خود حس کرد، به تبع آن را در زندگی و رخدادهای آن نیز لمس خواهد کرد و طبیعی است هر چه از جانب دوست می‌رسد، به نفع سالک است اما درک این موضوع زمانی میسر می‌شود که سالک بتواند ذائقه و طبع خود را در ذائقه و طبع حق تسلیم کند، در آن صورت است که به این گفته حافظ خواهد رسید: در طریقت هر چه پیش سالک آید، خیر اوست.

همچنان که قرآن نیز به این حقیقت تصریح می‌کند: «عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» چه بسا که ما آدم‌ها به رویدادها از پنجره کوچکی نگاه می‌کنیم و خیر عظیم موجود در اتفاقات را نمی‌بینیم اما اگر از پنجره‌ای وسیع‌تر نگاه کنیم، به آن نقطه اعتماد به حق خواهیم رسید.

۲۰مهر، روز بزرگداشت حضرت لسان الغیب خواجه‌شمس‌الدین محمد، حافظ شیرازی گرامی‌باد!